

نقش جمعیت و بازتوزیع آن در توسعه

الهام فتحی

رئیس گروه آمارهای جمعیت و سلامت دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران

❖ نحوه بازتوزیع جمعیت در ایران

تراکم نسبی جمعیت ایران، که نشانگر متوسط تعداد افراد در هر واحد از سطح کشور است، در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۶ نفر در هر کیلومترمربع بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۵، در هر کیلومتر مربع ۳ نفر افزایش داشته است. تراکم نسبی جمعیت در ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ در جدول ۱ ارائه شده است.

تراکم نسبی جمعیت برای سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ به تفکیک استان در جدول ۲ آمده است. طبق ارقام

جدول ۱ - تراکم نسبی جمعیت کشور: ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

سال	تراکم نسبی جمعیت (نفر در کیلومترمربع)
۱۳۳۵	۱۲
۱۳۴۵	۱۶
۱۳۵۵	۲۰
۱۳۶۵	۳۰
۱۳۷۵	۳۷
۱۳۸۵	۴۳
۱۳۹۰	۴۶

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس سال ۱۳۳۵ و سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

❖ مقدمه

نحوه پراکندگی و توزیع جمعیت در هر سرزمینی از موضوعات و مباحث مهمی است که از دیرباز تا کنون در ارتباط با توسعه‌ی جوامع مطرح بوده است. نظریات جغرافیایی متعددی در زمینه‌ی تراکم و بازتوزیع جمعیت وجود دارد که همه‌ی آن‌ها حکایت از وجود رابطه‌ای مستقیم بین توزیع مناسب و متعادل جمعیت و توسعه دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه‌ی مکان مرکزی والست‌کریستال (۱۸۹۳ تا ۱۹۶۹ میلادی) اشاره کرد.

این نظریه یکی از علمی‌ترین نظریات در زمینه‌ی ساخت سکونتگاه‌ها است که در بسیاری موارد، برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی کشورها و نواحی را تحت تأثیر قرار داده است.

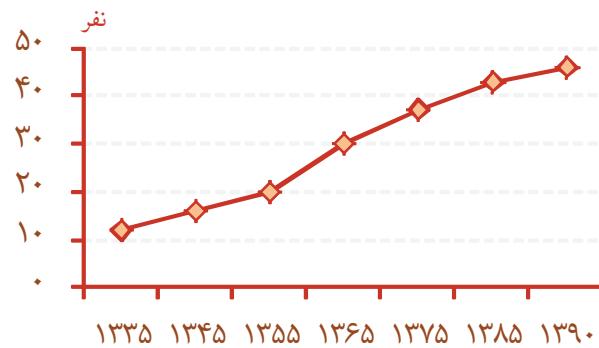
بی‌گمان رشد ناموزون و نامتناسب جمعیت و تراکم آن در پایتخت کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته یکی از مشکلات بزرگ پیش روی این کشورها است. از این رو همه‌ی برنامه‌ریزی‌های کلان در کشورهای کمتر توسعه‌یافته باید با هدف جلوگیری از رشد نامتوازن شهرها صورت گیرد. توزیع منابع اعتباری و سرمایه‌ای در اطراف و

جدول ۲- تراکم نسبی جمعیت کشور به تفکیک استان: ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

تراکم نسبی جمعیت (نفر در کیلومتر مربع)					نام استان
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵		
۸۹۰	۸۲۹	۶۵۴	۵۲۶	تهران*	
۴۷۱	۴۰۶	۲۷۰	۱۷۵	البرز*	
۱۷۷	۱۷۱	۱۶۰	۱۴۸	گیلان	
۱۲۹	۱۲۳	۱۱۰	۹۶	مازندران	
۱۰۰	۹۰	۷۴	۵۴	قم	
۹۱	۸۸	۸۷	۷۸	همدان	
۸۷	۸۰	۷۱	۵۷	گلستان	
۸۲	۷۹	۷۳	۶۷	آذربایجان شرقی	
۸۲	۷۷	۶۷	۵۳	آذربایجان غربی	
۷۷	۷۴	۶۲	۵۲	قزوین	
۷۶	۷۵	۷۱	۵۹	کرمانشاه	
۷۱	۶۷	۵۸	۴۲	خوزستان	
۷۰	۶۹	۶۶	۵۸	ارdebیل	
۶۲	۶۱	۵۶	۴۸	لرستان	
۵۵	۵۲	۴۷	۳۹	چهارمحال و بختیاری	
۵۱	۴۹	۴۶	۳۷	کردستان	
۵۰	۴۴	۳۸	۳۲	خراسان رضوی	
۴۹	۴۶	۴۲	۳۷	مرکزی	
۴۷	۴۴	۴۱	۳۶	زنجان	
۴۶	۴۲	۳۷	۳۱	اصفهان	
۴۵	۳۹	۳۳	۲۷	بوشهر	
۴۲	۴۱	۳۵	۲۷	کهگیلویه و بویراحمد	
۳۷	۳۵	۳۱	۲۶	فارس	
۳۱	۲۹	۲۶	۲۱	خراسان شمالی	
۲۸	۲۷	۲۴	۱۹	ایلام	
۲۲	۲۰	۱۵	۱۱	هرمزگان	
۱۶	۱۵	۱۱	۹	کرمان	
۱۴	۱۳	۹	۷	سیستان و بلوچستان	
۸	۸	۶	۵	یزد	
۷	۷	۶	۶	خراسان جنوبی	
۶	۶	۵	۴	سمنان	
۴۶	۴۳	۳۷	۳۰	کل کشور	

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۶۵

* تراکم نسبی هر یک از استان‌ها براساس محدوده‌ی استان‌ها در تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است.



شکل ۱- تراکم نسبی جمعیت کل کشور: ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

ارائه شده در این جدول، در سال ۱۳۹۰، استان تهران با ۸۹۰ نفر در یک کیلومتر مربع دارای بالاترین میزان تراکم است. پس از آن، استان البرز با ۴۷۱ نفر در کیلومتر مربع بیشترین میزان تراکم نسبی جمعیت را دارد که علت آن را می‌توان هم‌جواری با استان تهران دانست. کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور در سال ۱۳۹۰ به ترتیب استان‌های سمنان، خراسان جنوبی و یزد هستند که تراکم جمعیت در آن‌ها به ترتیب ۶، ۷ و ۸ نفر در هر کیلومتر مربع است. تراکم نسبی این استان‌ها نسبت به سال ۱۳۸۵ تغییری نداشته و نسبت به سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بسیار کم بوده است. تراکم نسبی جمعیت در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان در سال ۱۳۹۰ به ترتیب ۱۴ و ۲۲ نفر در کیلومتر مربع است که نسبت به سال ۱۳۶۵ دو برابر شده است. تراکم نسبی جمعیت استان قم نیز در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و حدود دو برابر شده است.

تراکم نسبی جمعیت استان تهران در مقایسه با سایر استان‌ها بسیار بالا است. رشد ناموزون و نامناسب جمعیت و تراکم به وجود آمده در پایتخت از معضلات بزرگی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌ریزی‌های کلان و توزیع منابع اعتباری و سرمایه‌ای با توجه به نیازهای واقعی کشور مطابق با یک الگوی فرآگیر ملی می‌تواند از رشد بی‌رویه و بزرگ شدن این کلان شهر بزرگ و سایر کلان‌شهرها جلوگیری کند.

علاوه بر این، تقسیم جمعیت بین مراکز شهری و روستایی کشور بسیار نامتوازن است. در سال ۱۳۹۰، به طور متوسط در هر ۲۷ کیلومتر مربع از سطح کشور، یک آبادی دارای سکنه وجود داشته که این رقم از ۱ آبادی در هر ۵ کیلومتر

بهخصوص در پنجاه سال اخیر، در مناطق خاص و بسیار محدودی از کشور انجام گیرد و این مناطق را به صورت قطب‌های عمده‌ی توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی و جذب جمعیت مهاجر از مناطق دیگر درآورد. به این ترتیب شهرها توسعه یافته و با مهاجرت روستاییان به شهرها، روستاها کوچکتر شده و در نتیجه مهاجرت از روستا به شهر باعث عقب‌ماندگی و اضمحلال روستاها شده است (شکوهی، ۱۳۷۳). از سوی دیگر نقاط شهری نیز به دلیل عدم توانایی لازم در جذب جمعیت مهاجر غیر متخصص، نتوانسته به توسعه‌ی چندانی نایل آید.

جنوب شرقی که حدود یک سوم مساحت کشور را غیرقابل سکونت نموده و به سکونت جمعیت پراکنده و محدود در حاشیه‌ی کویر انجامیده است.

❖ وجود کوهستان‌های مرتفع و صعب‌العبور که برای اسکان و معیشت جمعیت زیاد مناسب نیستند. خشک و کم آب بودن قسمت‌های دیگری از کشور و نامناسب بودن آب و هوا و شرایط اقلیمی که مانع شکل‌گیری تمرکزهای جمعیتی در آن مناطق شده است.

❖ علاوه بر عوامل طبیعی فوق، عوامل تاریخی، اجتماعی و اقتصادی متعددی باعث شده که بیشتر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی،

مربع در استان گیلان تا ۱ آبادی در هر ۱۶۶ کیلومتر مربع در استان سمنان در نوسان بوده است. در سال ۱۳۹۰ بالاترین میزان شهرنشینی^۲ مربوط به استان قم با ۹۵/۲ درصد بوده و استان تهران با ۹۲/۸ درصد در مرتبه بعدی قرار داشته است. این دو استان در سال ۱۳۸۵ نیز بالاترین میزان شهرنشینی را داشته‌اند. کمترین میزان شهرنشینی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به ترتیب با ۴۹/۰ و ۵۰/۰ درصد است. مقایسه‌ی میزان شهرنشینی طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که این میزان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ در تمام استان‌ها به جز استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان افزایش داشته است.

همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد، توزیع مکانی جمعیت در سطح کشور ناموزون بوده و بسیار متأثر از عوامل جغرافیایی است. تفاوت‌های بارز در تراکم نسبی جمعیت در نقاط مختلف کشور با عوامل طبیعی و اقتصادی و اجتماعی متعددی ارتباط دارد که لازم است در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی مورد ملاحظه قرار گیرد. در مورد ایران، عوامل طبیعی عمده‌ی مؤثر در توزیع جمعیت عبارت‌اند از:

❖ کویری بودن بخش قابل ملاحظه‌ای از مساحت کشور، بهویشه در مناطق مرکزی، شرقی و



شکل ۲- تراکم نسبی جمعیت به تفکیک استان در سال ۱۳۹۰ (نفر در کیلومتر مربع)

^۲ هاپت و تیکین (۲۰۰۸) میزان شهرنشینی را نسبت تعداد جمعیت ساکن در نقاط شهری یک منطقه به جمعیت کل آن منطقه ضرب در ۱۰۰ تعریف کرده‌اند.

❖ پیشنهادها

به نظر می‌رسد، علی‌رغم وجود موانع طبیعی و اجتماعی- اقتصادی و تاریخی در کشور، لازم است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به مدد آمارهای جمعیتی، توزیع متعادل و متوازن جمعیت در مناطق مختلف کشور را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند و با استفاده از مشوق‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، توسعه‌ی منطقه‌ای، معافیت‌های مالیاتی، ایجاد فرصت‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای و شغلی، به خصوص برای جمعیت نوجوان و جوان، جمعیت را از مناطق پرترکم به سوی مناطق کمترکم سوق دهند. در اواسط سده‌ی حاضر شهر بندرعباس و در دهه‌ی اخیر شهر چابهار به عنوان قطب‌های عمده‌ی جذب جمعیت مهاجر از نقاط مختلف کشور، نمونه‌های خوبی از موفقیت و توانایی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی در جذب جمعیت به مناطق گرم و خشک و فاقد جذابیت طبیعی برای سکونت و زندگی به شمار می‌آیند.

مرجع‌ها

- زنجانی، حبیب ... (۱۳۷۱). جمعیت و شهرنشینی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- شکوهی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سمت.
- هاپت، آرتور؛ تیکین، تامس (۲۰۰۸). راهنمای جمعیت. نورالله‌ی، طه (مترجم)، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

<http://esa.un.org/unpp>

<http://www.khabaronline.ir/print-54791.aspx>